

اکهارت نویبائر

صفی الدین ارموی*

مهر داد قیومی

* این مقاله ترجمه‌ای است از:
E. Neubauer, "Safi al-Din
al-Urmavi", *Encyclopedia
of Islam*, 1995.

1) Henry George Farmer
۲) فارمر: «در کتاب نشره بأسماء
كتب الموسيقى (فاهره، دار الكتب
المصرية، ۱۹۳۲) نامش «عبدالمؤمن
بن ابی المفاخر» آمده است. هیچ
دلیلی نیست که «فقیر» را بر «فاخر»
ترجیح دهیم. ظاهراً منظور این
است که بر ترجیح «فاخر» بر
«مفاخر» دلیلی نیست. — م.
۳) ابن القوطی، الحوادث الجامعة،
ص ۴۸۰.

۴) قطب الدین محمود بن مسعود
بن مصلح، ۶۳۴-۷۱۰ ق، شاگرد
خواجه نصیرالدین طوسی. — م.
۵) فارمر می‌گوید خانواده‌اش اهل
ارومیه بودند. — م.
۶) المستعصم بالله (حرک
۶۴۰-۶۵۶ ق) آخرین خلیفه
عباسی. — م.

۷) جمال الدین یاقوت، ف ۶۹۸ ق،
ملقب به «قبلة الكتاب»، ادیب و
شاعر و خوشنویس بزرگ. — م.
۸) فارمر: «ابن تغریب‌ردی می‌گوید
در موسیقی، بعد از اسحاق موصی
هیچ کس بهتر از او نبوده است. او
مدعی است که ارموی در
خوشنویسی همتای یاقوت و
ابن مقفله است.» — م.
←

این نوشتار ترجمه‌ای است از مقاله ذیل مدخل «صفی الدین ارموی» در ویراست دوم
دایرة المعارف اسلام. در ویراست اول این دایرة المعارف، ۱۹۱۳-۱۹۳۸، مقاله این
مدخل را فارمر^۱ نوشته بود. در اینجا، برای مزید فایده خوانندگان، موارد اختلاف دو
مقاله یا فزونی مقاله قدیم بر مقاله حاضر را در حاشیه آورده‌ایم. مترجم

صفی الدین عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی بغدادی، که در برخی
از منابع دوره عثمانی او را «صوفی الدین» خوانده‌اند،^۲ موسیقی‌دان و
مصنف در موسیقی نظری، در حدود سال ۶۱۳ ق/۱۲۱۶ م، احتمالاً در
ارومیه، زاد و در ۲۸ صفر سال ۶۹۳/۲۸ ژانویه ۱۲۹۴، درگذشت.^۳
در منابع، درباره اینکه خانواده او از کدام قوم بوده، چیزی نیامده
است. شاید ایرانی تبار بوده باشد (قطب الدین شیرازی^۴ او را «افضل
ایرانی» خوانده است).^۵ صفی الدین در جوانی به بغداد رفت. زبان عربی و
ادب و تاریخ و کتابت را نیک آموخت و در حسن خط نام‌آور شد
و در کتابخانه‌ای نو، که خلیفه مستعصم^۶ ساخته بود، او را به کتابت
گماشتند. هم یاقوت مستعصمی^۷ و هم شمس الدین احمد سهروردی
(ف ۷۴۱ ق/۱۳۴۰ م) را در خوشنویسی از شاگردان او شمرده‌اند.^۸
چون خلافت [عباسی] برافتاد، والی عراق، علاء الدین عظاملک
جوینی^۹، و برادرش، صاحب دیوان شمس الدین محمد جوینی^{۱۰}، او را

→

(۹) علاءالدین عظاملک بن محمد (۶۲۳-۶۸۱ق) برادر شمس الدین جوینی و مؤلف تاریخ جهانگشای - م.

(۱۰) معروف به صاحب دیوان، ف ۶۸۳ق، وزیر فرهنگ پرور ایلخانان - م.

(۱۱) مقدّ بن ابی الفتح نصرالله بن رجب، معروف به «ابن صیقل جزری»، مکنی به «ابی الندی» و ملقب به «شمس الدین»، صاحب المقامات الزّینیه است. - لغت‌نامه دهخدا، ذیل معد. - و.

(۱۲) خلاف الفقه؛ فقه تطبیقی مذاهب چهارگانه. - م.

(۱۳) فارمر همة دستمزد او از خلیفه را پنج هزار دینار گفته است: «مزدی که از خلیفه می‌گرفت پنج هزار دینار بود. حاجی خلیفه حکایتی از حبیب السیر درباره او نقل کرده است». - م.

(۱۴) هولاکوخان (حک ۶۱۴-۶۶۳ق) سرسلسله ایلخانان. - م.

(۱۵) فارمر می‌گوید ارموی با عودنوازی خود هولاکو را چندان مسحور کرد که از او و خانواده‌اش درگذشت. - م.

(۱۶) فارمر: «پس او در خدمت هولاکو درآمد. او از محل خراج بغداد، سالیانه ده هزار دینار به ارموی می‌پرداخت». - م.

(۱۷) فارمر: «در سال ۶۶۴ق/ ۱۲۶۵م، که بهاءالدین محمد [پسر شمس الدین جوینی وزیر] را به ولایت عراق عجم گماردند، ارموی در سفر به اصفهان ملتمز رکاب او بود». - م.

(۱۸) به گفته فارمر، در روزگار رونق وضع او چنان بود که زمانی چهار هزار درهم برای خریدن میوه و عطر برای دوستانش خرج کرده بود. - م.

(۱۹) نک: ابن الفوطی، مجمع الآداب، ذیل حروف «عین» و «کاف».

به دبیری دیوان انشای بغداد گماشتند. در سال ۶۷۶ق/ ۱۲۷۷م، ابن صیقل^{۱۱} (ف ۷۰۱ق/ ۱۳۰۲م)، ادیب و لغوی معروف، او را به «الصدر الکبیر» و «العالم الفاضل» و «العلامة» ملقب کرد. چنین القابی نشان منزلت ادبی و اجتماعی اوست. صفی الدین در فقه شافعی و علم خلاف فقه^{۱۲} نیز در مدرسه مستنصریه (گشوده در ۶۳۱ق/ ۱۲۳۴م) تعلّم کرد. همین او را شایسته احراز سمتی در دستگاه فقهی مستعصم ساخت و این موجب شد که پس از سال ۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م به تولیت موقوفات («نظرية الوقف») عراق برسد و تا هنگام به قدرت رسیدن خواجه نصیرالدین طوسی (۶۶۵ق/ ۱۲۶۷م) در این سمت بماند.

در واپسین سالهای خلافت مستعصم بود که دانستند ارموی موسیقی‌دان و عودنوازی چیره‌دست است و او را در حلقه ندمیان خلیفه پذیرفتند؛ و این از مرحمت یکی از شاگردان موسیقیش بود؛ یعنی لحاظ، معنی محبوب خلیفه. از بابت این کار، پنج هزار دینار (برابر شصت هزار درهم آن زمان) بر مزد او افزودند، که زندگی‌ای اشرافی برای او فراهم آورد.^{۱۳} همین موجب شد که در هنگام سقوط بغداد جان سالم به در برد؛ زیرا از امیران لشکر هولاکو^{۱۴} کریمانه پذیرایی کرد و آنان نیز، در عوض، او را به هولاکو معرفی کردند.^{۱۵} ارموی در سال ۶۸۹ق/ ۱۲۹۰م در تبریز با عزالدین اربیلی مورخ دیدار کرد و چیزهایی از سرگذشت خود بدو گفت. بر اساس این اطلاعات، اگر بتوان به آنها اعتماد کرد، هنر و فضل او در هولاکو مؤثر افتاد و مزد او را دوبرابر کرد.^{۱۶} اما گویی خاندان جوینی، خصوصاً شمس الدین محمد و پسرش شرف الدین هارون (ف ۶۸۵ق/ ۱۲۸۶م)، بودند که از کار و بار موسیقی صفی الدین حمایت می‌کردند.^{۱۷} چون حامیان او وفات یافتند، از یادها رفت و به تنگ دستی افتاد.^{۱۸} او را، به سبب سیصد دینار قرض، در مدرسه‌ای شافعی، «مدرسة الحفل»، در بغداد بازداشتند و در همان جا درگذشت. دو تن از پسران ارموی دبیر کرسی حکومت شدند: یکی از آنان کمال الدین احمد بود و دیگری عزالدین علی، که در ۶۷۱ق/ ۱۲۷۲م درگذشت و در نزدیکی بغداد، در رباط ابن سکران (ف ۶۶۷ق/ ۱۲۶۹م) دفن شد.^{۱۹} [به جز این دو پسر، که به دبیری

(۲۰) نک: مقاله غ. عزاد و ح. ع. محفوظ در مجله الکلیه الاداب.

(۲۱) شهری در جنوب شرقی ترکیه، نزدیک مرز عراق و سوریه، که در اواخر قرن سوم و اواخر قرن چهارم هجری قمری، مرکز حکومت حمدانیان بود.

(۲۲) «شهاب الدین ابوالعباس احمد بن محیی الدین، فرزند یحیی بن جمال الدین. در شعر و ادب و جغرافیا و تاریخ و تراجم احوال و خاصه در تاریخ مغول و ترک و هند و نیز هیئت و اسطرلاب و فقه شافعی فرید عصر خویش بوده. مولد او به دمشق در سال ۷۰۰ ق. کتاب مشهورش مسالک الابصار فی ممالک الامصار است. او به «کاتب دمشقی» نیز معروف است و در سال ۷۴۹ ق به مصر درگذشته است» الفتنامه دهخدا، ذیل ابن فضل الله. - و.

(۲۳) فارم: «کتاب الادوار حاوی تصنیفی است که در مقام دوم («آواز») نوشته شده است و «نوروز» نام دارد و در «ضرب» زَمَل است. شاید این تصنیف قدیم ترین نمونه موسیقی عربی یا ایرانی باشد که از طریق نت نویسی و با منابع مکتوب به دست ما رسیده است. - م.

24) See: Henry Georgea, *Studies in Oriental Musical Instruments*.

(۲۵) فوت در ۸۲۸ ق، نویسنده برجسته در موسیقی نظری و خنیاگر آل جلایر و تیموریان. - م.

(۲۶) به نظر فارم، «نزه» نوعی «قانون» مستطیل شکل بوده است و «مغنی» نوعی عود ارشه ای. - م.

رسیدند،] پسر دیگرش، جلال الدین محمد، اهل علم بود و در ۶۷۶ ق/ ۱۲۹۹ م در مدرسه مستنصریه، در مجلس درس ابن صیقل، که کتاب خود به نام المقالات الزینیه را شرح می کرد، حضور داشت.^{۲۰}

ارموی، در مقام آهنگ ساز، صور آوازی «صوت» و «قول» و «نوبه» را ترویج کرد. این صوت در روزگار او، چنان که مبارک شاه در شرح کتاب الادوار ارموی گفته است، آوایی قلیل الاجزاء بود. دو نمونه از آهنگ صوت، که ارموی با نت نویسی در آخر کتاب الادوار آورده است، این سخن را تأیید می کند. ارموی در آنجا از حروف برای نشان دادن زیر و بم و از ارقام برای نشان دادن نقرات (طول نغمه ها) استفاده کرده است. قطب الدین شیرازی در انتهای فصل مربوط به موسیقی در کتاب درة التاج، قطعه ای قول از ارموی آورده که معلوم می کند قول آهنگی پیچیده تر از صوت بوده است. قول شاید یکی از سه (یا چهار) آواز (نوبه) هم بوده باشد. در روزگار ارموی، این نوع آواز را خوش می داشته اند. آورده اند که صفی الدین بالغ بر صدوسی نوبه تصنیف کرده بود. بیشتر این قطعه ها را حتی [در حدود پنجاه سال پس از مرگ وی] موسیقی دان معروف، کتبله (ح ۷۳۰ ق/ ۱۳۳۰ م)، می شناخته و آنها را در دربارهای ماردین^{۲۱} و قاهره می نواخته است. نسل اول و دوم شاگردان ارموی، از جمله جمال الدین واسطی (و ۶۶۱ ق/ ۱۲۶۳ م) و نظام الدین بن حکیم (ف ح ۷۶۰ ق/ ۱۳۵۸ م)، آثار او را در ایران و عراق و شام و مصر پراکندند. ابن فضل الله عمری^{۲۲} برخی از ترانه های او را، همراه با نشانهای مقام و مقیاس موسیقایی، نقل کرده است.^{۲۳}

مؤلف ناشناخته کتاب فارسی کنز التحف (قرن هشتم/ چهاردهم) ابداع دو ساز زهی «نُزهه» و «مُغنی» را به ارموی نسبت داده است.^{۲۴} اما عجیب اینکه عبدالقادر مراغی^{۲۵}، موسیقی دان و نظریه پرداز موسیقی، که ارموی را سخت حرمت می نهاده و کتابی در شرح ادوار او نگاشته، در بحث از ساز مغنی در آثارش ذکری از این انتساب نکرده است.^{۲۶} ارموی شهرت اخیر خود را مرهون دو کتابش در زمینه نظریه موسیقی است: کتاب الادوار و الرسالة الشرفیه فی التَّسْبِ التَّأْلِیفِیهِ. کتاب نخست را در هنگامی نوشت که در کتابخانه مستعصم کار می کرد.

خليفة به اعتياد به موسيقي شهره بود. از اين رو، مي توان چنين انگاشت كه آن قدر در كتابخانه اش به اين رشته اعتنا داشته اند كه در آنجا منابع لازم در اختيار ارموي بوده باشد. قديم ترين نسخه شناخته كتاب الادوار (نسخه نور عثانيه) در ۶۳۳ق/ ۱۲۳۶م كتابت شده، يعنى هنگامي كه مؤلف حدوداً بيست سال داشته است. حالت خط آن سخت مانند خط ياقوت مستعصمي است؛ از اين رو، شايد نسخه خودنوشت مؤلف باشد. بعد از نوشته هاي ابن سينا در موسيقي، كتاب الادوار قديم ترين كتاب موجود درباره نظريه علمي موسيقي است.

اين كتاب حاوي اطلاعاتي درباره عمل و نظر موسيقي در حوزه ايراني-عراقي است؛ مانند: ابداع عملي عود پنج تار (كه در زمان ابن سينا وجود نداشته)؛ آخرين مرحله در تقسيم اكتاو به هفده درجه [نغمه]؛ واژه نامه كامل و تعريف مقياسهاي تشكيل دهنده نظام دوازده مقام (به نام «شدود») و شش طريق آواز؛^{۲۷} وصف دقيق مقياسهاي موسيقي آن زمان؛ به كار بردن حروف و ارقام براي نت نويسي نغمه ها.^{۲۸} همه اينها نخستين بار در كتاب الادوار آمده و آن را به منبع تاريخي اي بس ارزنده بدل کرده است. اين كتاب، به سبب اختصارش، قرن ها محبوب ترين و مؤثر ترين كتاب موسيقي بود. در اين مدت، هيچ كتاب عربي يا فارسي يا تركي اي را به قدر آن استنساخ نكردند و بر آن شرح ننوشتند و به زبان هاي شرقي و غربي برنگردانند. كتاب الادوار را «مختصر نامه» اي در دانش رسمي موسيقياي مي شمردند. باري، آن را، هم به سبب بي تاثيري آشكارش و هم به سبب اينكه در آن از هيچ منبع يا متني سخني نقل نشده است، اثر اصلي و مبتني بر ابتكار صاحب اثر شمرده اند، خصوصاً در تقسيم اكتاو. با عنايت به جواني نويسنده كتاب و سبك كاملاً وصفني اش، كه از هيچ ابتكار شخصي حكايت نمي كند، سهم صف الدين در [ابتكار] همه مفاد كتاب اثبات نمي شود و شايد كمتر از آن باشد كه تصور شده است. تحليل نسخه هاي خطي موجود اين كتاب، كه بسياري از آنها فاقد رقم كاتب است، و نيز تحليل شيوه هاي گوناگون نگارش متن آن شايد به يافتن پاسخ اين پرسش كمك كند.

كتاب الادوار چند بار به فارسي ترجمه شده است. علاوه بر

27) See: O. Wright.

۲۸) فارمر: «آري، شايد ارموي مبدع آن [تقسيم اكتاو به هفده گام] باشد؛ هرچند كه به نظر هلمهولتز (Helmholtz) ممكن است منشأ آن به دوره ساسانيان برسد.» - م.

- (۲۹) معروف به «شاه‌شیخ ابواسحاق» (ف ۷۵۸ق)، پادشاه معروف فارس از خاندان اینجو. - م.
- (۳۰) نک: مزوری، فهرست نسخه‌های خطی، ش ۴۰۷۳۶.
- (۳۱) میرزا نصرالله خان اعتمادالدوله، ۱۲۲۲-۱۲۸۱ق. - م.
- (۳۲) حکومت در ۱۲۶۴-۱۳۱۳ق، چهارمین شاه قاجار. - م.
- (۳۳) مشخصات نسخه چاپی‌اش در مزوری، ش ۴۰۷۳۷، آمده است.
- (34) See: Ra'uf Yektâ, in *MTM*, ii/ 4 [1331/ 1913], p. 137; M. Bardakçi, in *Tarih ve toplum*, xiii [1990], pp. 350-354.
- (۳۵) اویس جلایر (۷۳۹-۷۷۶ق)، دومین پادشاه آل جلایر. - م.
- (۳۶) پادشاه معروف آل مظفر (۷۵۹-۷۸۶ق). - م.
- (۳۷) برای مشخصات ترجمه این کتاب به فرانسوی، نک: منابع. این نظر فارسی، که نویسنده کتاب را همان علی بن محمد جرجانی دانسته است، قانع‌کننده نیست.
- (۳۸) نک: مزوری، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ش ۴۰۷۹۳-۴۰۷۹۴.
- (۳۹) این کتاب به چاپ رسیده است؛ نک: منابع.
- 40) F. Petis de la Croix
- 41) Joseph Sauveur
- 42) F. Petis de la Croix, *Système general des intervalles de sons*.
- (۴۳) باشماره Paris B.N. ar.2865
- 44) A. M. F. Herbin
- 45) G. A. Villoteau
- 46) A. M. F. Herbin, "De l'Etat actuel de l'art musical en Egypte".
- 47) Fétis, *Histoire generale de la musique*, ii, esp. p. 55.
- 48) J. B. De La Borde, *Essai sur la musique ancienne et* ←

ترجمه‌هایی که مترجمشان ناشناس است، یکی از ترجمه‌ها در سال ۷۴۶ق/ ۱۳۴۵م به دست عبدالدین یحیی بن احمد کاشانی برای سلطان وقت، ابواسحاق اینجو^{۲۹}، صورت گرفته است.^{۳۰} ترجمه‌ای مشروح از این کتاب در سال ۱۲۹۶ق/ ۱۸۷۹م به دست میرزا محمد اسماعیل بن محمد جعفر اصفهانی انجام گرفته و به میرزا آقاخان نوری^{۳۱}، صدراعظم ناصرالدین‌شاه^{۳۲}، اهدا شده است.^{۳۳} شخصی به نام احمد اوغلو شکرالله در قرن نهم/ پانزدهم آن را به ترکی ترجمه کرده و در فصول یکم تا پانزدهم کتابی از خود، به نام *رسالة من اعمال الادوار*، نهاده است.^{۳۴} در قرن هشتم/ چهاردهم و اوایل قرن نهم/ پانزدهم، چند شرح بر این کتاب نوشته‌اند. نخستین آنها را، که خلاصه‌الافکار فی معرفة الادوار نام دارد، شهاب‌الدین عبدالله صیرفی برای سلطان اویس^{۳۵} نوشته است. یکی از مهم‌ترین شرح‌های عربی را شخصی به نام مبارک‌شاه در سال ۷۷۷ق/ ۱۳۷۵م نوشته و به شاه‌شجاع^{۳۶} اهدا کرده است.^{۳۷} شرح فارسی دیگری را لطف‌الله بن محمد بن محمود سمرقندی در سال ۷۹۸ق/ ۱۳۹۶م برای شخصی به نام «امیرزاده سیدی» نوشته است.^{۳۸} شرح فارسی دیگر نوشته عبدالقادر بن غیبی مراغی است که «خاتمه»ای مفصل بدان پیوست است. این شرح «زوائد الفوائد» نام دارد.^{۳۹} گزیده‌ای از کتاب *الادوار* را اف. پتی دولاکروا^{۴۰} (ف ۱۷۱۳)، به درخواست ژوزف سوو^{۴۱} (ف ۱۷۱۶)، به فرانسوی برگردانده است. او نخستین کسی است که از موضوع تقسیم اکتاو ارموی خبر داده است.^{۴۲} ترجمه کامل تری به فرانسوی، از روی نسخه‌ای مجهول‌الکاتب^{۴۳}، به دست آ.ام. اف. اربن^{۴۴} (ف ۱۸۰۶) انجام گرفته و به ژ.آ. ویلوتو^{۴۵} اهدا شده است. او بخشی از این ترجمه را در کتاب خود به چاپ رسانده است.^{۴۶} فیتی^{۴۷}، به غلط، الحان یک‌سوم را در مقیاس‌های ارموی یافته است. مرتبه تفسیر او و نیز تفسیر ویلوتو پایین‌تر از کتاب سوو، و بس پایین‌تر از وصف درستی است که پیش‌تر ج.ب. دولابرد از کتاب ارموی به دست داده بود.^{۴۸} از اواخر قرن نوزدهم به بعد بود که محققان اروپایی تقسیم اکتاو به دست ارموی را نیک قدر شناختند.^{۴۹} صفی‌الدین کتاب دوم خود، *الرسالة الشرفیه*، را در حدود



moderne, i, pp. 163-166.

(۴۹) فارمر می‌گوید: «تقریباً همه کسانی که بعد از ارموی، عربی یا فارسی، در موسیقی کتاب نوشته‌اند به دین خود به او اذعان کرده‌اند؛ از جمله قطب‌الدین شیرازی... محمد بن محمود املی، در کتابش نفائس القنون؛ مؤلف کنز التحف؛ عبدالقادر بن غیبی و پسرش؛ عبدالعزیز، و نوه‌اش محمود؛ محمد بن عبدالحمید لاذقی؛ و بسیاری دیگر.» - م.

50) pulse

(۵۱) فارمر: «گرو (Grove) که می‌پندارد این کتاب برگرفته از رساله فارابی و نسخه ساده و اصلاح شده آن است، بر خطاست. برعکس، این کتابی است پس اصیل و مؤلف آن در چند مورد با سخنان فارابی مخالفت کرده است.» - م.

(۵۲) فارمر نشانی مکان نگهداری نسخه‌های دو کتاب ارموی را ذکر کرده است. - م.

(۵۳) نک: عبدالقادر غیبی مراغی، مقاصد الاحیان، ص ۵۸.

54) Ms. Oxford, Bodleian, Clark 21/1 (fols 1-71) copied 75/8, 1357, see Cat., ii, 201-204, no 247.

55) Brockelmann, S I, 907, no. 3.

(۵۶) فارمر: «[علاوه بر دو کتاب الادوار و الشرفیه] کتابی دارد در عروض، به نام فی علوم العروض و القوافی و البدیع. کتاب اخیر سزاوار تصحیح و ترجمه است.» - م.

57) Brockelmann, S I, 498, no. IV.

۱۲۶۷ق/م نوشت و به شاگرد و حامی بعدی خود، شرف‌الدین جوبینی، اهدا کرد. ارموی در حلقه علمی و ادبی و هنری خاندان جوبینی با نصیرالدین طوسی ارتباط داشت. شاید همین دانشمند برجسته (که رساله‌ای کوتاه در تناسبات فاصله‌های محسوس در ضرب^{۵۰} نوشته است) علاقه ارموی را به علوم یونانی برانگیخته باشد. هرچند که رساله شرقیه اساساً به همان موضوع کتاب الادوار می‌پردازد، بیش از آن کتاب مرهون نظریه‌های یونانی است. بعید هم نیست که ارموی هنگامی به فکر نوشتن کتاب دوم خود افتاده باشد که با کتاب الموسیقی الکبیر فارابی آشنا شد. فارابی در این کتاب از منابع یونانی بسیار بهره گرفته است. احتمالاً ارموی در هنگام نوشتن کتاب الادوار با کتاب فارابی آشنا نبوده است. او، برخلاف کتاب نخست خود [که در آن از آثار دیگران نقل نکرده]، در کتاب دوم آراء سلف خود، فارابی، را نقل و شرح کرده است.^{۵۱} اگرچه الرسالة الشرفیه مبسوط تر است، در مجموع کمتر از کتاب الادوار مقبولیت یافته است. اما قطب‌الدین شیرازی در درة التاج و عبدالقادر مراغی در کتابهای خود، از این کتاب فراوان استفاده کرده‌اند (قطب‌الدین شیرازی این کتاب را تا حدی نقد، اما عبدالقادر مراغی از آن دفاع کرده است).^{۵۲} حتی عبدالقادر مراغی درة التاج را شرحی بر شرقیه می‌داند.^{۵۳} عنوان مفروض فی علوم العروض و القوافی و البدیع در نسخه خطی موجود در آکسفورد^{۵۴} - به رغم نظر فارمر و، به تبع او، بروکلمن^{۵۵} - عنوان کتابی دیگر از ارموی نیست؛^{۵۶} بلکه عنوان فرعی کتابی است به نام معیار النظائر فی علوم الاشعار، از عالم لغت عزالدین عبدالوهاب بن ابراهیم زنجانی^{۵۷} ♦

منابع

- ارموی، صفی‌الدین. کتاب الادوار (از نسخه‌ای به تاریخ ۸۷۰ق)، به کوشش حسین علی محفوظ، بغداد، ۱۹۶۱.
- —. کتاب الادوار، به تصحیح هاشم محمد رجب، بغداد، ۱۹۸۰.
- —. کتاب الادوار، به تصحیح غطاس عبدالملک خشبه و محمود احمد الحفنی، قاهره، ۱۹۸۶.

- —. کتاب الادوار (عکس نسخه ۳۶۵۳ کتابخانه نور عثمانیه استانبول)، به کوشش اکهارت نویبائر، فرانکفورت، ۱۹۸۴.
- —. کتاب الادوار، ترجمه میرزا محمد اسماعیل بن محمد جعفر اصفهانی، به کوشش یحیی ذکاء، موسیقی، دوره سوم، ش ۴۶-۵۶ (مرداد ۱۳۳۹ - مرداد ۱۳۴۰).
- —. الرسالة الشرفیة، به تصحیح هاشم محمد رجب، بغداد، ۱۹۸۲.
- —. الرسالة الشرفیة (عکس نسخه ۳۴۶۰ کتابخانه احمد سوم استانبول)، به کوشش اکهارت نویبائر، فرانکفورت، ۱۹۸۴.
- —. کتاب الادوار (با شرح مبارک شاه)، به کوشش المنوی السنوسی، در R. d'Langer, *La musique arabe*, iii, Paris, 1938.
- ابن طقطقی، محمد بن علی. کتاب الفخری، پاریس، ۱۸۹۵، ص ۷۴، ۴۴۹-۴۵۱.
- ابن الفوطی، عبدالرزاق بن احمد. الحوادث الجامعة.
- —. مجمع الآداب.
- ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی. المنهل الصافی، قاهره، نسخه خطی ش ۱۱۱۳، بخش ۴، ب ۳۵۶.
- صفدی، خلیل بن ایبک. وافی، بیروت، ۱۹۹۳، ج ۱۹، ص ۲۴۲-۲۴۳.
- مراغی، عبدالقادر غیبی. شرح ادوار، به تصحیح تقی بینش، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- —. مقاصد الالحان، تهران، ۱۳۴۴.
- ابن فضل الله عمری، احمد بن یحیی. مسالك الابصار، فرانکفورت، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۳۰۹-۳۱۵.
- عؤاد، غ. و ح. ع. محفوظ. مجلة الكلية الآداب، ش ۴ (۱۹۶۳)، بغداد، ص ۲۶۱.
- ابن شاکر کتبی، محمد بن شاکر. فوات الوفيات، بیروت، ۱۹۷۴، ص ۴۱۱-۴۱۳.
- محیط طباطبائی، سید محمد. «صفی الدین ارموی»، موسیقی، دوره سوم، ش ۸-۱۱ (۱۳۲۰ ش).
- منزوی، احمد. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، ۱۳۴۹، ج ۵.
- Bardakçı, M. *Tarih ve toplum*, xiii [1990].
- Borde, J. B. De La. *Essai sur la musique ancienne et moderne*, i, Paris, 1780.
- Brockelmann I², 653, S I, 906-7.
- Vaux, Carra de. in *JA*, 8th ser., xviii (1891).

- Croix, de la and F. Petis. *systeme general des intervalles de sons*, in *Memoirres de l'Acad. Royale*, Paris, 1701.
- Erlanger, R. d'. *La musique arabe*, iii, Paris, 1938, pp. 183-566.
- Farmer, Henry George. "Safi ali-Din Urmavi", *El Suppl.*
- —. "Safi al-Din Urmavi", *Grove's Dictionary of music and musicians*, 5th ed., London, 1954, vii, pp. 357-358.
- —. *Studies in Oriental Musical Instruments*, First Series, London, 1931.
- —. *The Surces of Arabian Music*, Leiden, 1695.
- Fétis. *Histoire generale de la musique*, ii, Paris, 1869, esp. p. 55.
- Herbin, A.M.F. "De l'Etat actuel de l'art musical en Egypte", in G. A.
- Land, J. P. L. *Tonschriftversuche und Melodieproben aus dem muhammedanischen Mittelalter*, in *Sammelbände für vergleichende Musikwissenschaft*, i (1922).
- Manik. *Zwei Fassungen einer von Šafi al-Din notierten Melodie*, in *Baessler-Archiv*, N. S. xxiii (1979).
- Manik, L. *Das arabische Tonsystem im Mittelalter*, Leiden, 1969.
- Neubauer, E. "Safi al-Din al-Urmavi", *The Encyclopedia of Islam CD-ROM*, Edition v. 10. 1999, Leiden, Koninklijke Brill NV.
- Kubica, V. *Zhdada hlavolamu*, in *Novy orient*, xxvii (1972).
- Radjabov, I. R. *K istorii notnoy pis' mennostina vostoke*, in *Uzbekistonda ishtimij fanlar*, x (1962).
- Reinert, B. *Das Problem des pythagoräischen Kommas in der arabischen Musiktheorie*, in *Asiatische Studien*, xxxiii (1979).
- Shiloah, A. *The theory of music in Arabic writings*, Munich, 1979.
- Villoteau. *Description de l'Egypte, Etat moderne*, xiv, Paris, 1826, pp. 47-110.
- Wiet, G. *Les biographies du Manhal Safi*, Cairo 1932, 216, no. 1482.
- Wright, O. *The modal System of Arab and Persian Music A.D. 1250-1300*, Oxford, 1978.
- Yektā, Ra'ūfi. in *MTM*, ii/4 [1331/1913].